

ARTICLE INFO

*Article Type*

**Research Article**

**Authors:**

1. Morteza Ghorchi, Ph.D.

2. Seyyed Ruhollah Hosseini, Ph.D.

1. Assistant Professor of Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. PhD Student in Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

**Correspondence:\***

**Address:** Department of Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

**Email:**

rohallah.hossieni@gmail.com

**Article History:**

**Received:** 19.02.2023

**Accepted:** 18.12.2023

**Extended Abstract**

**Introduction**

Hansai, a commercial-military alliance that arose in the conditions of the removal of military power and the weakness of the feudal lords, and while they enjoyed freedom, they considered themselves committed to the Byzantine Empire and thus enjoyed legitimacy. They began to trade between cities, creating a network system centered on Lübeck and Hamburg. Lübeck and Hamburg were a self-organized form of cooperation that acted as a hub or node in this urban network and communicated through meters in other cities, but failed as England and the Netherlands took power. The cities of this union exerted influence on the cities around the Baltic Sea by establishing mutual relations with each other and created a united region in terms of military and trade, which were connected with other regions and cities. In fact, they laid the foundation for the region we know today as the European Union. On a larger scale, Europe was connected with other regions including Cairo and North Africa, Baghdad-Tabriz-Hormuz and Middle East, Samarkand-Bukhara and Central Asia, Gujarat-Malacca and South Asia, Zaytoun-Shanghai and East Asia. Since the Hanseatic League was born from the formation of a set of connections between the cities of Northern Europe, therefore, in this article, with a descriptive analytical method, with the aim of describing the Hanseatic League and modern regionalism and intercity communication in the Middle Ages and the contemporary period.

**Methodology**

This article is based on the descriptive-analytical method based on the principle of document-library collection and then description and analysis and conclusions. The results of the research show that the Hanseatic Union is a suitable model for contemporary cities.

**Results and discussion**

Because in the new era, with the development of communication networks and the ease of transportation and production flexibility, a kind of division of labor between cities has been created, in which these cities have a

managerial role, and at the global and regional level, the sphere of influence have. These cities have created economic networks through the main and subsidiary branches of multinational companies in different cities and they act at the level of hubs and nodes. Since the power of cities is increasing in the present era and the level of relations between them has expanded, the Hanseatic Union will be a suitable model for their union at the regional level, which is called new regionalism. This model can be followed by statesmen and city managers in different regions of the world, such as the Union of European Cities, the Union of Central Asian Cities, the Union of Caucasus Cities, the Union of Persian Gulf Cities, and form unions for greater regional convergence. Today, some of these regional unions have emerged, but unions such as the Caucasus Cities Union or the Persian Gulf require the will of the city officials and managers of these countries.

**Keywords:** Hanseatic Union, modern regionalism, global cities, network, urban communication, nodal points

## اتحادیه شهرهای هانسایی الگویی برای منطقه

## گرایی نوین در چارچوب پیوندهای میان شهری

## دکتر مرتضی قورچی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

## سید روح الله حسینی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

## چکیده

اتحادیه هانسایی مجموعه‌ای از شهرهای حوزه دریای بالتیک بودند که در دوره قرون وسطی به‌عنوان کنفدراسیونی برای تجارت و ارتباط بین شهرها به وجود آمدند. این شهرها برای حل مشکلات و پیشبرد اهداف خود شروع به همکاری با یکدیگر کردند. شهرهای هانسایی شبکه‌ای از ارتباطات متقابل را به وجود آورده بودند که خود در آن نقش گره یا هاب را برعهده داشتند. دلیل اهمیت این اتحادیه از آن رو است که قبل از شکل‌گیری دولت-ملت‌ها و عهدنامه وستفاليا به وجود آمد که تمرکز کمی بر روی این اتحادیه در جامعه شبکه‌ای انجام شده است. در منطقه گرایی نوین بنا به اشتراکات زبانی، فرهنگی و ... کشورها به هم نزدیک‌تر می‌شوند. در درون این منطقه گرایی بازیگران محلی مانند شهرها وجود دارند که نود شبکه اقتصاد جهانی هستند و در عرصه جهانی نقش آفرینی می‌کنند. از آنجایی که اتحادیه هانسایی از شکل‌گیری مجموعه‌ای از ارتباطات در بین شهرهای شمال اروپا به وجود آمد از این رو در مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی هدف تشریح اتحادیه هانسایی و منطقه گرایی نوین و ارتباطات بین شهری در قرون وسطی و دوره معاصر به این سوال می‌پردازیم که، اتحادیه هانسایی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای شهرهای معاصر باشد؟ در پایان به نظر می‌رسد این اتحادیه الگویی مناسبی برای شهرهای معاصر باشد.

**کلمات کلیدی:** اتحادیه هانسایی، منطقه گرایی نوین،

شهرهای جهانی، شبکه، ارتباطات شهری، نقاط گره‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

نویسنده مسئول: rohallah.hossieni@gmail.com

اتحادیه هانسایی یک اتحادیه تجاری- نظامی بود که توسط تاجران شهرهای شمال اروپا و حوضه بالتیک به رهبری آلمان‌ها در دوره قرون وسطی (دوره تاریک) شکل گرفت. تاجران آلمانی به شهرهای شمال اروپا سفر می‌کردند و کالاهای مورد نیاز خود را جابه‌جا می‌کردند. انگیزه اصلی آنها کسب سود و گرفتن امتیازات تجاری بیشتر از حاکمان بود. و به دلیل عدم وجود یک دولت قدرتمند برای تامین امنیت، این تاجران اقدام به ایجاد اتحادیه تجاری- نظامی بین شهرهای شمال اروپا کردند که به‌عنوان اتحادیه اروپایی قرون وسطی شناخته می‌شود تا جایی که نخست وزیر استونی در روز پیوستن به اتحادیه اروپا در سخنرانی خود اتحادیه اروپا را همان اتحادیه هانسایی جدید خطاب کرد. این شهرها با مرکزیت شهر لوبک و هامبورگ در آلمان با تجارت و رفع نیازهای متقابل به یک نوع همبستگی رسیدند که در عین رقابت در هنگام مشکلات به یکدیگر کمک می‌کردند. آنها شبکه‌ای از شهرها را به وجود آوردند که به اعتقاد مارگاریت اسکول [۱۰ و ۱۱] از نظر اقتصادی براساس رقابت، قیمت، عرضه و تقاضا تنظیم می‌شد و از نظر اجتماعی با تعهد، اعتماد و همبستگی متقابل به تجارت می‌پرداختند.

در واقع اتحادیه شهرهای هانسایی نوعی از منطقه گرایی را رقم زدند که شبیه منطقه گرایی نوین است. در این نوع منطقه گرایی برخلاف منطقه گرایی گذشته که جان هریسون [۲ و ۳] به آن منطقه گرایی فوردیستی می‌گوید مفهوم شهر- منطقه به وجود آمده است. در منطقه گرایی فوردیستی، تولید انبوه، در یک منطقه شکل می‌گرفت و هر منطقه‌ای مرزهای تقریباً مشخصی داشت. اما پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و جهانی شدن نوعی از منطقه گرایی را به وجود آورده که شهرها می‌توانند در سطح منطقه و جهان نقش آفرینی کنند. در واقع این شهرها و ارتباطات آنها مرزهای منطقه گرایی را متخلخل کرده‌اند و در عین حال با مناطق دیگر در بستر جهانی شدن در ارتباط هستند.

## مقدمه

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر اصل جمع آوری اسنادی-کتابخانه‌ای و سپس توصیف و تحلیل و نتیجه گیری است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اتحادیه هانسایی الگوی مناسبی برای شهرهای معاصر است.

### اتحادیه هانسایی

تا اواسط قرن یازدهم وایکینگ‌ها به شهرهای حوضه بالتیک حمله می‌کردند و آن شهرها را هم غارت می‌کردند و هم به تجارت در آنجا می‌پرداختند. با توقف آنها در این قرن تجارت در این منطقه رشد کرد. بازرگانان آلمانی نخستین کسانی بودند که سعی در پر کردن این خلع کردند و با رشد جمعیت و افزایش تقاضای مواد غذایی پروتئینی که برای تهیه آنها نیاز به نمک و ادویه بود، شروع به تجارت با شهرهای دیگر برای تامین آن کردند. شاه ماهی از جمله مواد پروتئینی بود که در روسیه تهیه می‌شد و برای نگهداری از آن نیاز به نمک بود. بنابراین آنها با شهر لوبک که به دریای شمالی بالتیک دسترسی داشت و در نزدیکی آن هامبورگ بود که مسیر تجاری نمک لوبورگ را کنترل می‌کرد وارد قرارداد شدند از این رو لوبک و هامبورگ شهرهای پیشرو اتحادیه هانسا بودند. اما اصناف در این منطقه می‌خواستند از طریق تعیین حداقل قیمت‌ها و استانداردهای تولید از صنوفی مانند جواهرسازان و بشکه سازان محافظت کنند. در لوبک در طول قرن ۱۳ میلادی صنف‌ها شروع به شکل گیری به یک لیگ بسیار بزرگتر کردند که مناطق وسیع‌تری را دربر می‌گرفت. این اصناف توسط بازرگانان که عمدتاً آلمانی بودند در شهرهای دریای شمال و بالتیک شروع به سکونت می‌کردند. و پس از بررسی ارزش معاملاتی کالا در منطقه و امکان پذیر بودن مسیرهای تجاری از شهر اصلی منطقه، تصمیم گرفتند که برای انجام شهرک سازی از حاکمان محلی اجازه گیرند، معمولاً حاکمان به ایجاد شهرک بازرگانان در خارج از دیوار شهرها موافقت می‌کردند زیرا آنها می‌دانستند که اصناف و بازرگانان می‌توانند درآمد زیادی را برای منطقه به ارمغان بیاورند.

شهرهای دانزیک و نووگورود از این قبیل بودند. این شهرک‌های صنفی پس از ایجاد برای کسب امتیازات بیشتر و پرداخت مالیات کمتر با حاکمان وارد نبرد شدند. از این رو بازرگانان با حاکمان برای ایجاد نوعی منطقه اولیه تجارت آزاد و کنترل بر ماهیگیری منطقه می‌رسیدند. در ابتدا فئودال‌های محلی سعی کردند جلوی بازرگانان را بگیرند اما شهرت لوبک باعث مهاجرت و رشد جمعیت در آنجا شد و فردریک دوم امپراتور مقدس روم در سال ۱۲۲۶ آن را به شهر آزاد امپراتوری ارتقا داد و از هرگونه وفاداری فئودالی رها کرد و به شورای آن اجازه داد تا شهر را در جهتی مستقل اداره کنند. هانسایی یک امپراتوری واحد نبود، اما ساختار سیاسی منحصر به فردی داشت و در واقع زیربنای اتحادیه اروپایی قرون وسطایی بود. و جایگاهی بین یک ایالت متحده و کنفدراسیون ایالت شهرهای مستقل را داشت. این اتحادیه از بروگز در بلژیک تا ریگا و لتونی را دربر می‌گرفت و حتی در فنلاند و نروژ و انگلستان حضور داشت. بنابراین شبکه‌ای از بازرگانان آلمانی زبان سفر می‌کردند، خرید و فروش می‌کردند و با تسلط بر جاده ابریشم بالتیک شهرهایی را که با هم منافع مشترک داشتند پیوند می‌زدند و ارتباط بین شهرها را ایجاد می‌کردند که در انتها منجر به شکل گیری اتحادیه هانسایی شد. بازرگانان فقط جریان کالا را تسهیل نمی‌کردند بلکه ابزاری فراهم کردند که فرهنگ، تمدن و مذهب هانسایی از تالین تا کلن را گسترش دادند. این اتحادیه بین ۶۰-۷۰ عضو اصلی و ۲۰۰ عضو اصلی-فرعی داشت و این شهرها شبکه‌ای از تجارت را به وجود می‌آوردند که برای تضمین سود خود به دنبال اتحادیه‌ها و معافیت‌های تجاری بودند. آنها در عین اینکه به امپراتوری مقدس روم وفادار بودند، به علت کوچک بودن و پراکنده بودن دولت‌ها که نمی‌توانستند امنیت را برایشان تامین کنند، اتحادیه تجاری-نظامی هانسایی را به وجود آوردند [۴ و ۵].

در پایان قرن سیزدهم، تمام انجمن‌ها و شهرک‌های تجاری آلمان شمالی و پایگاه‌های تجارت خارجی آنها در

مناطق داخلی بزرگ به سمت جنوب و شرق بالتیک (روسیه و لهستان امروزی) می‌رفت و به غرب صنعتی می‌رسیدند. فلاندر و انگلستان که به نوبه خود پارچه و سایر کالاهای تولیدی را به سمت شرق به اسلاوها می‌فرستادند. حمل و نقل شرق به غرب با اهرم اقتصادی که بازرگانان در کشورهایی که به کالاهایشان نیاز داشتند، تضمین می‌کردند، تکیه گاه قدرت هانسی بود. اسکاندیناوی نیز در مدار هانسیایی قرار گرفت. مس و سنگ آهن سوئدی به سمت غرب معامله می‌شد و شاه ماهی صید شده در نوک جنوبی سوئد در سراسر آلمان و به سمت جنوب تا کوه‌های آلپ معامله می‌شد. علاوه بر این، تولید روغن نهنگ و ماهی کاد در نروژ در انحصار بود [۶].

یک لیگ واحد جمع شده بودند که تقریباً هر بندری از برمن تا روال را به هم متصل می‌کردند. تجارت دریای بالتیک و دریای شمال در دست بازرگانان آلمانی بود و در عین حال عادات و روش‌های عمل مشترک تقویت می‌شد. اتحادیه هانسیایی اکنون وجود داشت. وجود و اهمیت آن بر این واقعیت استوار بود که لیگ، به واسطه اقدام شدید و موقعیت جغرافیایی، جریان‌های اصلی تجارت شمال را کنترل می‌کرد. اینها از غرب از نظر اقتصادی پیشرفته و پرجمعیت - با بازارهای بزرگ برای مواد خام، تولید گسترده کالاهای تولیدی و تماس آن با محصولات مدیترانه و آسیا تا سرزمین‌های "استعماری" اروپای شرقی، برای تامین مازاد مواد غذایی و مواد خام برای صنعت در ارتباط بودند. غلات، چوب و سنگ، قیر، پتاس و زغال چوب، موم و عسل، و کنف و کتان همگی از

شکل ۱: نقشه اتحادیه هانسیایی



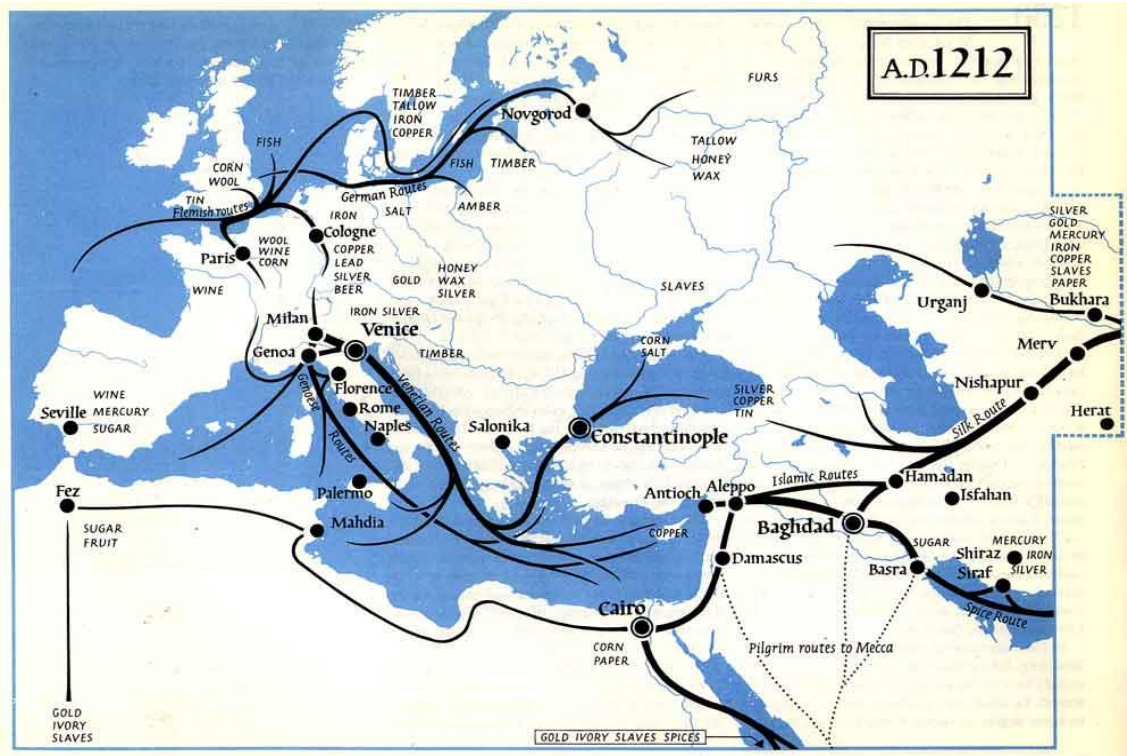
<https://www.historytoday.com/archive/first-common-market-hanseatic-league>

جمع کرده بود. شهرهای آزاد (مانند لوبک) فقط به امپراتوری مقدس روم که وضعیت آنها را به این شکل اعطا کرده بودند، پاسخگو بودند و به همین دلیل به مقامات

اعضای لیگ به تجارت مس، ماهی، کتان، خز، غلات، عسل، آهن، رزین، نمک و منسوجات و سایر کالاها می‌پرداختند. لوبک - به اصطلاح "ملکه اتحادیه هانسی" - به‌عنوان شهر اصلی ادامه می‌داد و ثروت قابل توجهی

محلی شهرهای خارج از لیگ که ممکن است به جاه طلبی‌های آنها اعتراض کنند، بدهکار نبودند [۷ و ۸].

شکل ۲: نقشه راه‌های هانسایی



[https://www.reddit.com/r/MapPorn/comments/mika8k/evolution\\_of\\_trade\\_routes\\_in\\_europe\\_and\\_mena\\_from/?rdt=61672](https://www.reddit.com/r/MapPorn/comments/mika8k/evolution_of_trade_routes_in_europe_and_mena_from/?rdt=61672)

### شعب خارج از کشور (کنتور)

دیگر عناصر ضروری در سازمان هانسایی، کنتورها (Kontore) یا تاسیسات بازرگانان هانسایی در خارج از کشور بودند. چهار کنتوره در لندن، بروژ، برگن و نوگورود جوامعی بودند که صلاحیت سرزمینی که در آن تأسیس شده بودند را داشتند. اعضای آنها مالک مجموعه بزرگی از خانه‌ها، سالن‌ها، انبارها و ساختمان‌های دیگر بودند که در آن زندگی کاملاً منظمی داشتند و تجارت خود را با بومیان انجام می‌دادند. اگرچه این اصطلاح تنها از قرن شانزدهم در میان بازرگانان رایج شد مهم‌ترین آنها در نوگورود (پتروف)، برگن، لندن (استالهورف) و بروژ بود. آنها دادگاه مخصوص به خود، صندوق نقدی خود، دستورات خود را داشتند که یک "بزرگان" منتخب آن را اداره می‌کرد و همچنین مهر خود را داشتند. بین پایه گذاری اولین دفتر در نوگورود و بسته شدن دفتر در

برگن حدود نیم هزاره طول کشید. در کنتورهای بزرگ مانند نوگورود در یک زمان حداکثر ۱۵۰ تا ۲۰۰ تاجر وجود داشت، در بروژ حتی می‌توانست ۶۰۰ تاجر وجود داشته باشد. مرکز معنوی همیشه یک کلیسا بود. به‌عنوان مثال در بروژ، بازرگانان با هم زندگی نمی‌کردند بلکه در ساختمان‌های خود یا با صاحبخانه‌ها زندگی می‌کردند. بنابراین هر دفتر متفاوت طراحی می‌شد. سلزر خلاصه می‌کند: «اتحادیه هانسایی همیشه از ساختارهای سازمانی موجود برای فعالیت‌های خود استفاده می‌کرد در کنار و مستقل از آن ساختارهای بسیار ضعیف کل اتحادیه هانسایی با ساختارهای بسیار قوی این نهاد‌های هانسایی در تضاد بود.»

تا قرن سیزدهم بازرگانان هانسایی به فلاندر نیز گسترش یافتند. در اینجا، آنها با وضعیتی کاملاً متفاوت از منطقه بالتیک مواجه شدند. هنگامی که آنها در بروژ

در طول قرن‌ها، چهار نوع مختلف شرکت‌ها در هانسایی تکامل یافت:

۱. *vera societas* (wedderlegginge): یک شرکت تجاری خاص بود که در آن سرمایه‌دار (Kapitalgeber) و شخص مسئول معامله تجاری (Kapitalführer) در سود سهیم بودند.

۲. در مورد «تجارت کومیسین» (sendeve)، یک تاجر کالا را برای یک تاجر دیگر حمل می‌کرد. معمولاً دو بازرگان نیز با یکدیگر وارد یک " *vera societas* " می‌شدند.

۳. «شرکت بازرگانی» متشکل از دو یا چند نفر بود که در سرمایه شرکت سهیم بودند، اما خودشان نیز در تجارت شرکت داشتند. این نوع تجارت در آغاز قرن پانزدهم توسعه یافت.

۴. تجارت متقابل، مهمترین شکل مشارکت بین بازرگانان هانسایی بود. در این حالت، بازرگانان در مکان‌های مختلف کالاهای مربوطه را که توسط سایر بازرگانان برای آنها ارسال می‌شد به نام خودشان می‌فروختند. با این حال، برای این عمل، هیچ توافق نامه کتبی وجود نداشت و فروشندگان مستقیماً در سود یک معامله تجاری خاص سهیم نبودند [۱۰].

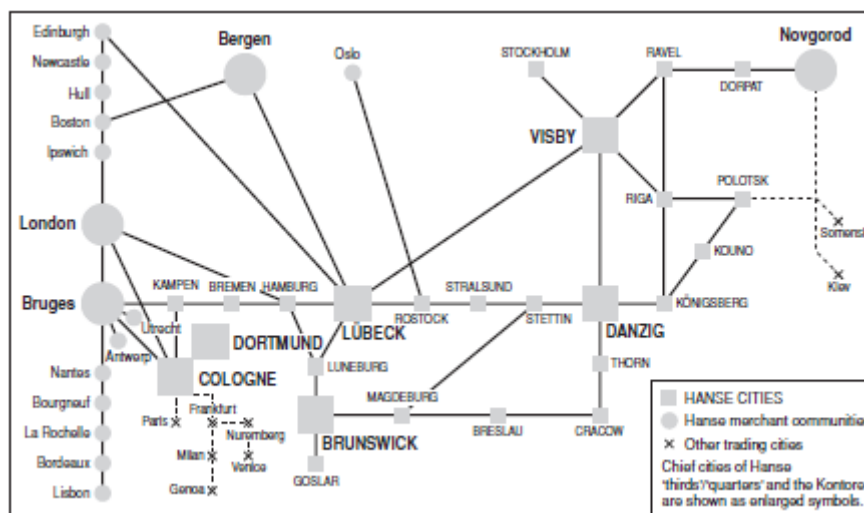
اعضای اتحادیه هانسایی برای پیشبرد اهداف خود از مذاکره، حمله نظامی و تحریم کالاها استفاده می‌کردند. آنها برای محافظت از منافع خود اتحادیه نظامی تشکیل دادند و هنگامی که لیونیا توسط روس مورد حمله قرار گرفت آنها (نووگورود) را محاصره کردند و در غرب شورش‌هایی که توسط بازرگانان آلمانی برانگیخته شده بود با ترک بروژ و جایگزینی آردنبرگ به جای آن در عرض دو سال بروژ را با کاهش درآمدها متزلزل کردند و بروژ مجبور شد تمام امتیازات را به بازرگانان هانسا برگرداند. در سال ۱۲۸۴ پادشاه نروژ سعی کرد امتیازات هانسایی را لغو کند اما آنها غلات، آرد، سبزیجات و آبجو را مسدود کردند به زودی قحطی در نروژ بروز کرد و پادشاه امتیازات را بازگرداند.

مستقر شدند و اولین امتیازات خود را در سال‌های ۱۲۵۲ و ۱۲۵۳ به دست آوردند، این شهر - مرکز تجارت پشم و پارچه - بازار جهانی غرب بود. بازرگانان شبه جزیره ایبری و مدیترانه کالاهای خود را به بروژ می‌آوردند. شراب و نمک از فرانسه، ادویه جات ترشی جات از سرزمین‌های جنوبی وارد می‌شد. ۱۹ تاجر ایتالیایی در بروژ نیز شهر را به مرکز اصلی عملیات ارزی و اعتباری تبدیل کردند. شواهد اولیه یک سیستم بانکداری مدرن را می‌توان در قرن چهاردهم یافت. برای بازرگانان هانسایی، شهر از اهمیت اقتصادی زیادی برخوردار بود. آنها به‌ویژه نمک دریایی ارزان فرانسوی و پرتغالی را خریداری کردند که تقاضای زیادی در منطقه دریای بالتیک داشت. بازرگانان آلمانی در بروژ، از همان ابتدا مجبور بودند با کشورهای دیگر که مانند کنتوره هانسایی، کنسولگری که در آنجا داشتند رقابت کنند. بعدها در بروژ تضادهایی بر سر نقض امتیازات هانسایی مکرراً به وجود آمد و باعث شد که اتحادیه هانسی در چندین نوبت پست تجاری خود در آنجا تغییر دهد. به‌عنوان مثال، در سال ۱۲۸۰ به آردنبرگ نقل مکان کرد تا به امتیازاتی که کنت گویدو اول فلاندر (۱۳۰۵-۱۲۲۷) به دیگر خارجی‌ها تعمیم داده بود اعتراض کند. با برپایی کنتوره در نووگورود، برگن، لندن و بروژ و تاسیس لوبک به‌عنوان شهر پیشرو اتحادیه هانسایی، روند گسترش به پایان رسید. اتحادیه هانسی نباید به‌عنوان یک شبکه شعاعی شکل با لوبک در مرکز درک شود بلکه این اتحادیه با پست‌های تجاری و سکونت‌گاه‌های کوچک‌ترش، در عوض بیشتر شبیه یک شبکه دوپایه یا یک «شبکه به هم پیوسته» با گره‌هایی با تراکم‌های مختلف بود. در اطراف آنها، به نوبه خود، شبکه‌های تجاری محلی و منطقه‌ای مختلف با دامنه‌های مختلف گروه بندی شدند. مکان کنتر خارجی محدودیت‌های فیزیکی تجاری را مشخص نمی‌کند، بلکه نقاط جغرافیایی بیرون از تجارت دریایی را مشخص می‌کند [۹].

اقیانوس اطلس را به اروپا عرضه می‌کردند. در اروپای شرقی، مرکز تجاری سنتی نووگورود، محل چهارمین کنتور بازرگانان بود، اما این موضوع اخیراً توسط انجمن‌های جداگانه بازرگانان آلمانی در سایر شهرهای اروپای شرقی به چالش کشیده شد. نتیجه جغرافیایی تمام این فعالیت‌های تجاری ایجاد یک شبکه شهری منسجم از نووگورود از طریق لوبک تا بروژ و لندن با امتداد شمال به اسکانندیناوی و جنوب تا سواحل اقیانوس اطلس بود. علاوه بر این، هانس آلمان از کلن از طریق شهرهای غیر هانسایی آلمان فرانکفورت و نورنبرگ به ترتیب به میلان و جنوا و ونیز به شبکه‌های شهری مدیترانه متصل شد [۱۱].

به اعتقاد پیتر تیلور «اتحادیه Hanseatic» احتمالاً شناخته شده‌ترین سازمان تاریخی شهرها به‌عنوان یک شبکه است. مهمترین کنتور در بروژ، شهر پیشرو در «قطب شمالی» احیای اقتصادی اروپا و گسترش تجارت قرون وسطی بود. بازرگانان این کنتور بر تجارت هانس با کشورهای پایین تسلط داشتند، اما بر گروه‌های کوچک‌تری از بازرگانان آلمانی در بنادر اقیانوس اطلس تا لیسبون نیز ادعای قدرت داشتند. در آن سوی دریای شمال دومین کنتور در لندن وجود داشت که به‌عنوان پایگاه اصلی تجارت انگلیسی عمل می‌کرد. در شمال دور، برگن به‌عنوان خانه کنتور از بازرگانانی بود که ماهی‌های

شکل ۳: شبکه شهرهای هانسایی



منبع: Taylor 1997

اما نکته قابل اهمیت آن است که شبکه‌های تجاری بین این شهرها و بروژ و نمایشگاه شامپاین در شمال شرق فرانسه وجود داشت. از روسیه موم برای ساختن شمع که در کلیساها کاربرد فراوانی داشت، شاه ماهی کاو، پشم و گندم می‌آمد و از بروژ ادویه‌ها و پارچه به لوبک می‌رفتند. در واقع بروژ مرکز تجارت و بانکداری فلاندرها بود و شهری بود که اتحادیه هانسا را به خارج پیوند می‌داد.

در قرن ۱۶ اتحادیه هانسا از طرف سوئد و دانمارک دچار نبردهای سرزمینی شد و از نظر اقتصادی نیز بریتانیایی‌ها و هلندی‌ها آنها را شکست دادند و همچنین شیوع بیماری طاعون (مرگ سیاه) باعث کم شدن شدید جمعیت شد. مجموعه این عوامل باعث شد که اتحادیه هانسا در قرن شانزدهم شکست بخورد اما هنوز فعالیت‌های کوچک و نمادینی دارد.

شکل ۴: راه‌های موقعیت بروژ و نمایشگاه شامپاین





منبع: Abu-Lughod, 1987

و در عین رقابت با هم به بیزانس وابسته بودند، می‌آمد و از آنجا در بروژ و نمایشگاه شامپاین مبادله می‌شدند و در آخر هم به شهرهای هانسایی می‌رسیدند.

در واقع ادویه و سایر کالاها از طریق جهان شرق، به جنوا و مخصوصاً ونیز (این دو شهر هم در مقیاس و هم در تجارت تفاوت زیادی با شهرهای هانسایی داشتند و در ارتباط با شرق، خاورمیانه، مصر، هند، مالاکا و چین بودند

شکل ۵: ارتباط بروژ و ونیز

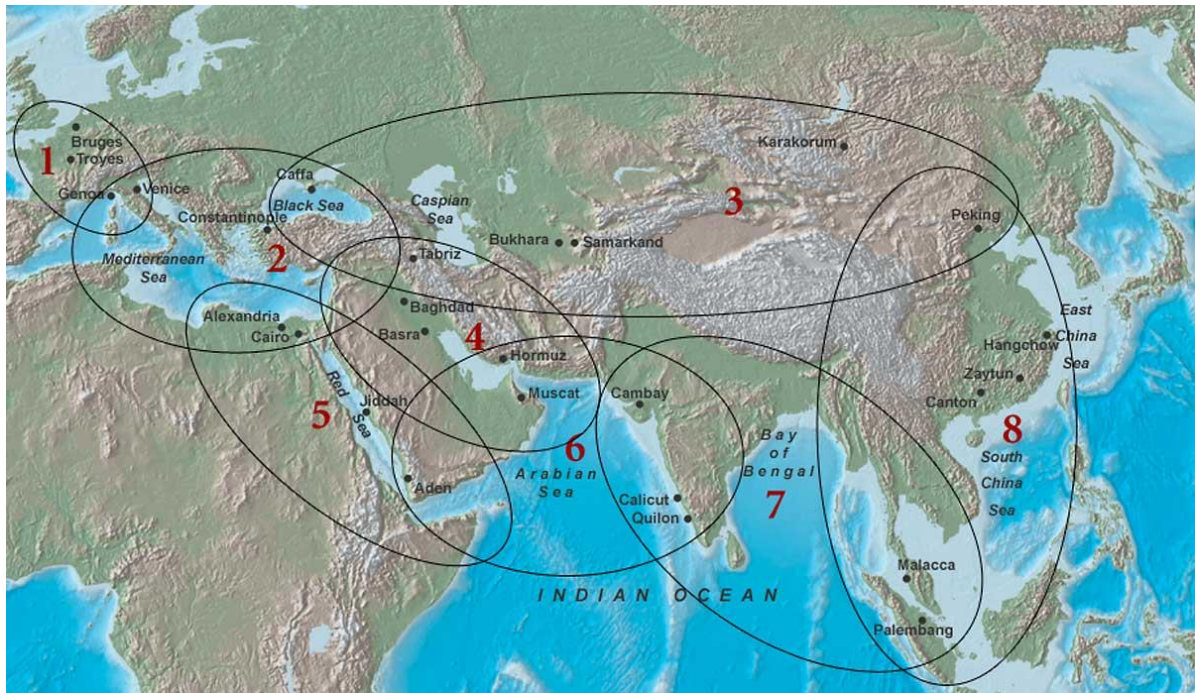


منبع: Abu-Lughod, 1987

هم دیگر در ارتباط تجاری بودند و کالاهای تولید شده از شرق به غرب و بالعکس حرکت می‌کردند.

ارتباط میان این شهرها را جانان ابوالقد [ ۱۲ و ۱۳ ] در کتاب پیش از هژمونی اروپا به تفصیل روشن می‌کند. او دنیا را به هشت زیر مجموعه متوازن تقسیم می‌کند که با

شکل ۶: مناطق تجاری ابوالقد

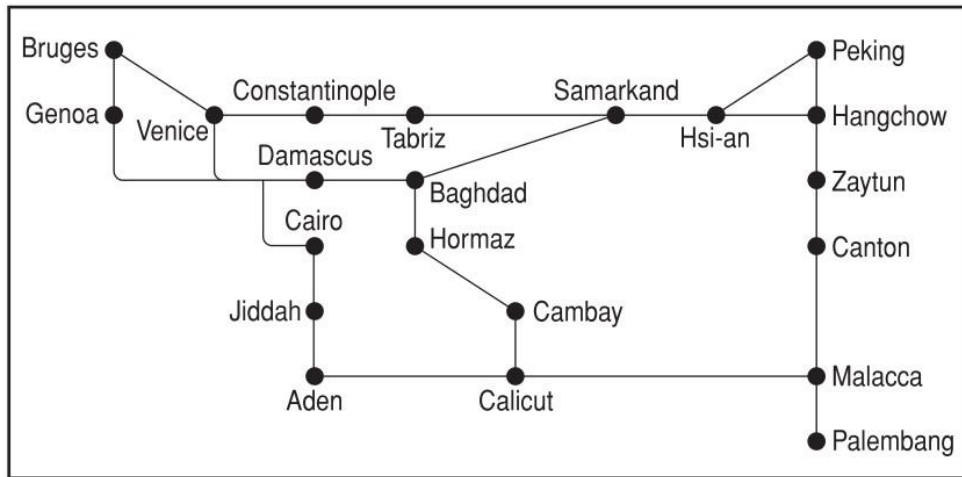


<https://www.cambridge.org>

شرق بودند که در نمودار شماتیک زیر توسط ابوالقد در سال ۱۹۸۹ ترسیم شده است.

در واقع بروژ و نمایشگاه شامپایان پیوند دهنده اتحادیه هانسایی با جنوا و ونیز و سپس جهان خارج و

شکل ۷: شبکه شهرهای ابوالقد



**Figure 1.1** A transcontinental archipelago of cities c. 1300 (derived largely from Abu-Lughod 1989)

منبع: منبع: Taylor 1997

### شبکه شهرهای جهانی

پیتر تیلور جغرافیدان سیاسی برخلاف ساسکیا ساسن و فریدمن که شهرهای جهانی را براساس سلسله مراتب بررسی کرده‌اند، شهرهای جهانی را براساس روابط و پیوندهای بین شهری مطالعه کرده است. او جهانی شدن و روابط بین شهرها را در زمینه بخش خدمات و به چهار دسته حسابداری، بیمه، مشاوره و حقوقی بررسی می‌کند و شهرهای جهان را به سه دسته آلفا (۱۰ شهر)، بتا (۱۰ شهر) و گاما (۳۴ شهر) تقسیم کرده که با هم در یک شبکه پیچیده جهانی در ارتباط هستند [۱۴].

شهرهای آلفا شامل: شیکاگو، فرانکفورت، هنگ کنگ، لندن، لس آنجلس، میلان، نیویورک، پاریس، سنگاپور، توکیو.

شهرهای بتا شامل: بروکسل، مادرید، مکزیکو سیتی، مسکو، سانفرانسیسکو، سایوپاپولو، سئول، سیدنی، تورنتو، زوریخ.

شهرهای گاما شامل: آمستردام، آتلنتا، بانکوک، بیجینگ، برلین، بوستون، بوداپست، بوینس آیرس، کاراکاس، کپنهاگ، دالاس، دوسلدورف، ژنو، هامبورگ، هوستون، استانبول، جاکارتا، ژوهانسبورگ، کوالالامپور، مانیل، ملبورن، میامیف میناپولیس،

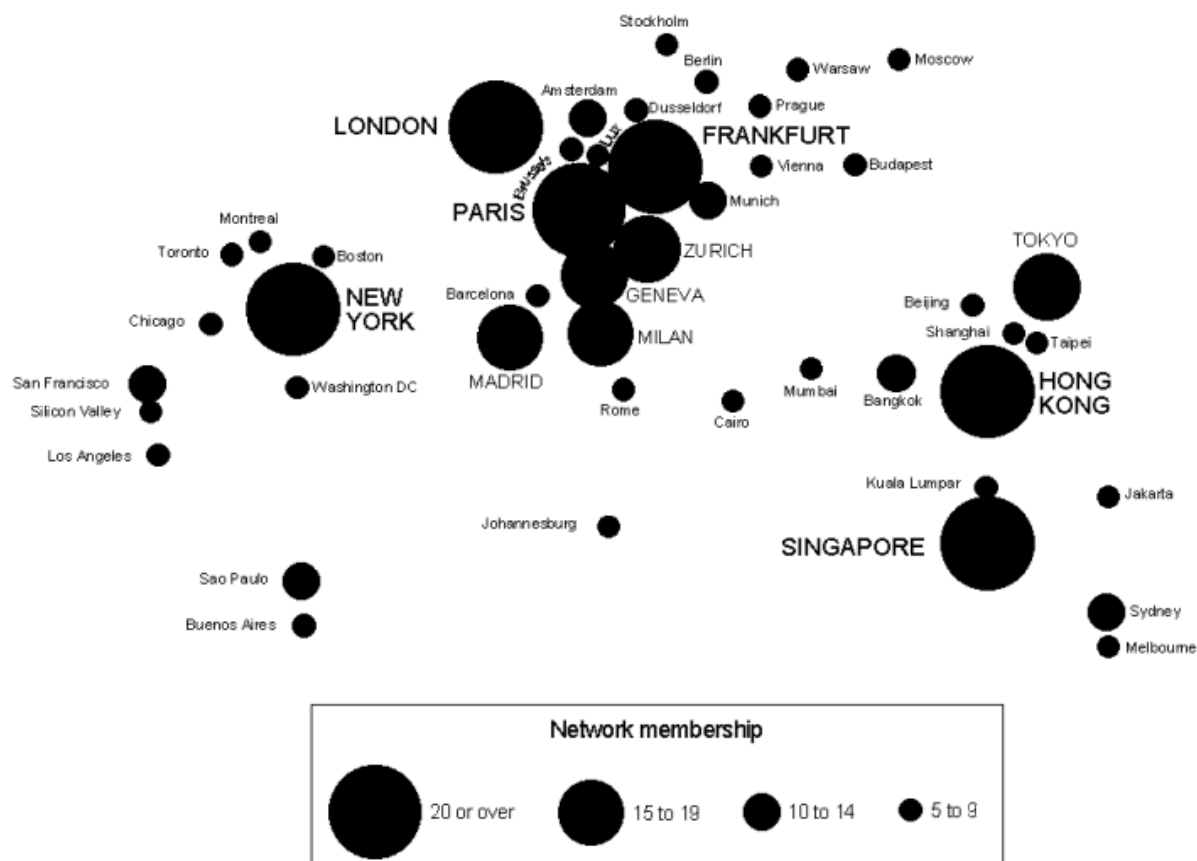
منترال، مونیخ، آزاکا، پراگ، رم، سانتیاگو، شانگهای، استکهلم، تابوان، واشنگتن، ورشو هستند [۱۵ و ۱۶].

به اعتقاد ایشان شهرها با تجارت متقابل یک شبکه شهری ایجاد کردند، شامل یک فضای پویا از جریان‌ها برنامه ریزی نشده، تا امکان تحقق رشد اقتصادی را فراهم کند. از دهه ۱۹۸۰ بسیاری از شرکتها شروع به ارائه خدمات خود در سراسر جهان کرده‌اند که آنها را شرکت‌های خدمات جهانی می‌نامند. این دفاتر در شهرها متمرکز هستند و شهرها به‌عنوان شبکه‌های محلی از نهادهای اقتصادی و سیاسی عمل می‌کنند. این شهرهای پویا بخشی از یک فرآیند مولد در شکل‌گیری شبکه‌های شهری هستند، اما این شهرها به خودی خود مؤثر در ارتباطات نیستند بلکه روابط بین شهری و پیوندهای اقتصادی که شهرها را به هم گره می‌زنند در شبکه‌ها توسط بازیگران اقتصادی خاص ساخته می‌شوند: از نظر تاریخی، بازرگانان کالاهای خود را معامله می‌کنند و کالاها در سراسر شبکه در جریان هستند. در عمومی‌ترین سطح، عوامل اقتصادی تغییر صاحبان سرمایه (در اشکال مختلف آن) هستند و این تصمیمات آنهاست که برای رشد یا رکود اقتصادی حیاتی است. بنابراین ایشان یک نوع شبکه شهری ارائه می‌دهند که شامل سه سطح عبارتند از: اقتصاد جهانی به‌عنوان سطح شبکه‌ای که در آن خدمات توزیع می‌شود. شهرها به‌عنوان سطح گره‌ای و شرکت‌های خدماتی پیشرفته که خدمات را ایجاد و ارائه

یکدیگر متصل می‌شوند. به این ترتیب پیترتیلور نقشه‌ای از جهان را ارائه می‌دهد که شهرها در مرکز آن قرار دارند و به آن جهان شبکه‌ای گفته می‌شود [۱۷ و ۱۸].

می‌کنند، این پیکربندی سه گانه دارای شبکه‌های درهم تنیده‌ای هستند. اینها شبکه‌هایی هستند که در آن گره‌ها از طریق اجزای فرعی تشکیل دهنده خود به هم متصل می‌شوند. به‌عنوان مثال شبکه‌ای از هیات مدیره‌های شرکتی که از طریق افراد به

شکل ۸: شهرهای جهانی پیتر تیلور



منبع: Taylor 1997

دولت-ملت‌ها برای چارچوب بندی به این اهداف استفاده می‌شد. در نوع سنتی منطقه بندی از دولت‌ها به‌عنوان بلوک‌های سازنده یک منطقه یاد می‌شد و بر دنیایی از مرزهای مشخص و بر تفاوت‌های بین مردم تاکید می‌کردند. الگویی منطقه بندی که قبلاً به‌صورت ساده و موزاییکی (دولت-ملت‌ها) مشخص می‌شد و دارای یک نوع تمرکز سنتی بر روی مرزها و فضاهای مطلق بود با رویکرد رابطه‌ای به چالش کشیده شده است.

### منطقه گرایی نوین

از نظر پیتر تیلور جغرافیدان سیاسی برجسته، جهانی شدن فرایندی تخت نیست که جهانی همگن ایجاد کند بلکه به صورت فازی (یعنی در زمینه‌ای خاص) عمل می‌کند و با جغرافیای منطقه‌ای سنتی (سرزمین‌گرا) مقابله می‌کند. از طرف دیگر جغرافیا دارای سنتی طولانی برای تقسیم بندی جهان براساس مناطق برای اهداف امپراطوری بوده است. ابتدا استفاده از واژه قاره‌ها و سپس

در واقع دفتر مرکزی شرکت‌ها که اقدام به تصمیم‌گیری استراتژی‌های متفاوتی برای مکان‌گزینی دفاتر خود و ارتباط با سایر شرکت‌ها می‌کنند به‌عنوان جغرافیای تصمیم‌گیری نام برده می‌شود. این جغرافیای تصمیم‌گیری است که جریان شبکه‌ها را در جهانی شدن نو تعیین می‌کند.

جریان‌های شبکه‌سازی (اطلاعات، دانش، مشاوره و...) برای مشتریان در سراسر دفاتر شرکت‌ها، روابط بین شهرها را در سراسر جهان و مناطق نوین، تشکیل می‌دهند. شبکه‌ها همچنین می‌توانند شامل پیام‌های الکترونیکی، کنفرانس‌های تلفنی و ملاقات‌های حضوری از طریق سفرهای متخصصان باشند که با هم در بین شرکت‌های بیشمار وجود دارند و شبکه شهرهای جهانی را ایجاد می‌کنند.

اما این شرکت‌ها بیشتر شبکه‌سازی هستند تا منطقه‌سازی (به صورت سنتی) آنها با ایجاد شبکه‌های شهری برای ارائه خدمات جهانی، منعکس‌کننده نوعی ناهمگونی هستند. این شبکه‌ها در مناطقی با تراکم بیشتر و در مناطقی با تراکم کمتر هستند، بنابراین این ناهموازی در توزیع آنها نشان‌دهنده نوعی منطقه‌گرایی نوین در بستر جهانی شدن است.

به‌طور کلی عوامل منطقه‌سازی، شرکت‌های خدمات تولیدکننده پیشرفته و دارای تمرکز منطقه‌ای در ارائه خدمات از منطقه مبدا یا محل دفتر مرکزی خود و به علاوه توزیع پراکنده خدمات خود در سراسر جهان هستند که استراتژی‌های جهانی خود را نشان می‌دهند. شاید بتوان از محل دفتر مرکزی به‌خانه-منطقه یاد کرد. این مناطق از مجموعه مشترک از خدمات مشخص می‌شوند. منطقه شامل سایر شرکت‌هایی که خارج از منطقه هستند نیز می‌شود که با گسترش جهانی شدن، مرزهای منطقه را متخلخل می‌کنند. همچنین ممکن است شهرهایی در منطقه وجود داشته باشد که بخش‌هایی از تشکیلات منطقه‌ای نباشند.

این نوع جدید از منطقه‌بندی جهانی براساس استراتژی‌های مکان‌یابی شرکت‌های مختلف تولیدکننده است. این شرکت‌ها با استراتژی‌های مشابه و استراتژی‌های خاص (که در هیچ

منطقه‌بندی سنتی، محدود به مرزهای تقریباً مشخص بود ولی منطقه‌بندی نوین نامحدود است. در واقع یک نوع مناطق جهانی بدون محدودیت به وجود آمده‌اند. در این نوع منطقه‌بندی مرزها از منظر فضای مکان‌ها مبهم و از منظر فضای جریان‌ها متخلخل هستند. امروزه منظور از مناطق، سرزمین‌هایی را تعریف می‌کنند که دارای مرزهای دقیقی نیست و فعالیت‌های تولیدی بیشتر از گذشته دارند. در منطقه‌گرایی نوین شهرها پایگاه‌های اقتصادی معاصر هستند که دارای دو ویژگی بین‌المللی بودن و انعطاف‌پذیری در تولید و ارائه خدمات هستند. همچنین برخلاف نظر جان اگنیو و دیگران که منطقه‌ها را جدا از هم تصور می‌کنند در نوع جدید منطقه‌گرایی، آن مناطق در عرصه جهانی (قبلاً به منطقه‌ای شدن در بستر جهانی شدن مانند Localization بحث نشده است) عمل می‌کنند و در ارتباط با همدیگر شبکه‌ای از ارتباطات شهری را به وجود می‌آورند.

در نگاه اول در این نوع از منطقه‌گرایی که مبتنی بر شبکه‌ها است، گره‌هایی (شهرها) وجود دارند که تعاملات آنها شبکه‌ها را ایجاد می‌کنند و روابط متقابل آنها این شبکه‌ها را تعریف می‌کنند. اما در مدل‌های به هم پیوسته‌تر عوامل شبکه‌سازی گره‌ها نیستند بلکه درون گره‌ها یافت می‌شوند بنابراین سه سطح عملیاتی وجود دارد با نام‌های: گره، زیرگره و شبکه.

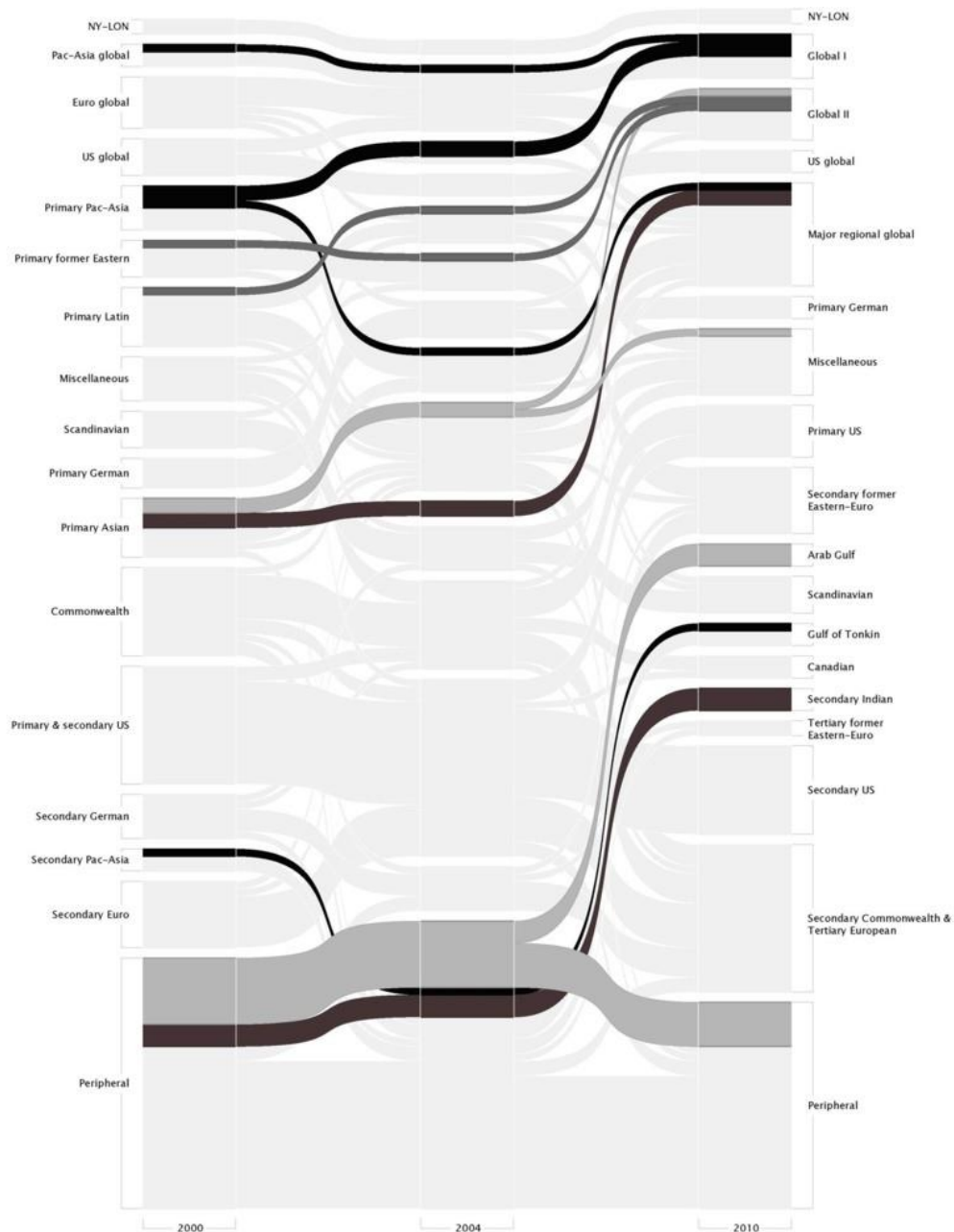
در واقع شرکت‌ها (زیرگره‌ها) از طریق کارهای خدماتی روزمره خود، شهرها (گره‌ها) را به هم متصل می‌کنند. از این رو بسیاری از شرکت‌ها در انجام کارهای روزمره خود استراتژی‌های جهانی را ابداع کرده‌اند که از طریق آن تشکلهای منطقه‌ای جدید ساخته می‌شوند. نکته کلیدی این است که شهرها (گره‌ها) مراکز خدماتی و محل عبور جریان‌های متفاوت سرمایه، کالا و خدمات در این مدل هستند ولی عامل ایجاد شبکه‌ها نیستند بلکه عامل شرکت‌ها (زیرگره‌ها) و تصمیمات صاحبان سرمایه هستند و گره‌هایی از شرکت‌ها، جغرافیای شبکه‌ای را در بین سراسر شهرها تشکیل می‌دهند.

برای ۱۳۹ شهر پیشرو به ترتیب برای سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۴، ۲۰۱۰ اعمال می‌کند که به موجب آن شهرها براساس مجموعه شرکت‌هایشان گروه بندی می‌شوند. در این نمودار بلوک‌های منفرد نشان دهنده خوشه‌های شهری هستند و در هر سال بلوک‌ها به صورت سلسله مراتبی دسته بندی می‌شوند. جریان‌های افقی خوشه‌های قبلی و بعدی را براساس عضویت مشترک شهر به هم متصل می‌کنند. عرض یک خط جریان متناسب با تعداد شهرهایی است که تغییر عضویت دارند.

شرکت دیگری وجود ندارد و مختص به خودشان است) اقدام به مکان یابی برای دفاتر خود می‌کنند. این استراتژی‌های مکان یابی به عنوان سازندهای منطقه‌ای شناخته می‌شوند که با هم همپوشانی دارند و هر کدام از دو بخش تشکیل شده‌اند: یک منطقه‌ای که در آن حضور دارند (منطقه محلی) و یک منطقه جهانی [۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲].

پیتر تیلور [۲۳] برای نشان دادن گرایش‌های منطقه‌ای و سلسله مراتبی شهرها از نمودار آبرفتی استفاده می‌کند. تیلور ابتدا یک تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی و به صورت خوشه‌ای

شکل ۹: نمودار آبرفتی پیتر تیلور



### 'Mapping Shifting Hierarchical and Regional Tendencies in an Urban Network through Alluvial Diagrams

\*رنگ سیاه: به طور کلی، شهرهای چین در شبکه‌های شرکت‌های خدمات تولید کننده جهانی شده اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. شانگهای و پکن در گروهی از شهرهای پیشرو پس از NY-LON (نیویورک و لندن) به هنگ کنگ می‌پیوندند، در حالی که تایپه جایگاه خود را در گروهی از شهرهای رتبه دوم حفظ می‌کند. جریان در نیمه پایین نمودار نشان دهنده مسیر گوانگژو است که با گذشت زمان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و یک گروه

خطوط جریان سیاه نشان دهنده شهرهای چین (شانگهای، پکن، گوانگژو، هنگ کنگ و تایپه)، خاکستری تیره برای شهرهای هند (ممبای، دهلی نو، کلکته، چنای و بنگلور)، خاکستری متوسط برای شهرهای پیشرو روسیه و برزیل (مسکو و سائوپائولو)، و خاکستری روشن برای شهرهای عربی خلیج فارس. نمودار آبرفتی امکان ارزیابی مستقیم از چگونگی تغییر موقعیت این شهرها در طول زمان را فراهم می‌کند:

- گسترش جهانی بسیار انتخابی است و تنها بر مهم‌ترین شهرها در دو منطقه کلیدی جهانی دیگر تمرکز می‌کند: بروکسل، فرانکفورت و پاریس در اروپا و پکن، هنگ کنگ و توکیو در آسیای اقیانوس آرام. ویژگی‌های کلیدی استراتژی جهانی سازی گسترده به شرح زیر است:

- بیست و شش شرکت وجود دارد که این استراتژی را دنبال می‌کنند، عمدتاً آژانس‌های تبلیغاتی که معمولاً دارای شبکه‌های اداری بزرگ در سراسر جهان هستند.

- جغرافیای تصمیم‌گیری این استراتژی بسیار متمرکز است و تنها چهار شهر را شامل می‌شود و نیویورک بر آن تسلط دارد.

- منطقه خانگی دارای سه شهر از پنج شهر پیشرو ارائه خدمات - شیکاگو، لندن و نیویورک - است، اما فقط دو شهر دیگر را شامل می‌شود.

- شهرها در واقع منطقه خانه شامل یک شهر به شدت مستثنی شده است: بالتیمور در این استراتژی که اکثر شهرهای ایالات متحده غایب هستند، نشان دهنده تهی شدن ایالات متحده است.

- در حوزه جهانی، ژوهانسبورگ و مکزیکو سیتی دو شهر پیشرو دیگر در ارائه خدمات هستند، اما ویژگی اصلی این است که این دسترسی بیشتر از هر استراتژی دیگری شامل شهرها می‌شود و تمام نقاط جهان را پوشش می‌دهد و در مرحله بعد نقش ارتباط سطح جهانی کنار زده می‌شود و تیلور به بررسی ویژگی‌های هر منطقه می‌پردازد:

در منطقه آمریکا ۲۲ شرکت وجود دارند که عمدتاً شرکت‌های مشاوره‌ای و خدمات مالی ایالات متحده هستند و نیویورک بدون لندن، تورنتو و شیکاگو در این منطقه مسلط هستند و در درون این منطقه، منطقه‌ی حاشیه‌ای دیگری وجود دارد که پنج شرکت خدماتی و مالی و شهرهای برزیل - سائوپائولو و برازیلیا - مادرید مسلط هستند.

منطقه‌ای منسجم را با هوشی مین و هانوی در اطراف خلیج تونکین تشکیل می‌دهد.

\*رنگ خاکستری تیره: شهرهای اولیه هند (ممبای و دهلی نو) به مجموعه‌ای از شهرهای بزرگ در رتبه دوم می‌پیوندند، در حالی که سایر شهرهای هند از گروه شهرهای پیرامونی بلند می‌شوند تا خوشه‌ای برای خود تشکیل دهند.

\*خاکستری متوسط: مسکو و سائوپائولو به یک اندازه در شبکه‌های شرکت‌های خدمات تولیدکننده جهانی در طول زمان اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند.

\*خاکستری روشن: استانبول و دبی (به‌طور فزاینده‌ای) دو شهر پیشرو در منطقه هستند. یک گروه منطقه‌ای از شهرهای خلیج (فارس)، (منامه، ابوظبی، ریاض) از گروه شهرهای پیرامونی پدید می‌آید و در جای دیگر پیترو تیلور [۲۴ و ۲۵] منطقه گرایی نوین را ذیل جهانی شدن متمرکز و جهانی شدن پراکنده برای مکان‌گزینی شرکت‌های خدماتی مورد مطالعه قرار می‌دهد که در هر دوی این جهانی شدن مناطق جدید که در آنها مناطق حاشیه‌ای دیگر در حال شکل‌گیری است (آسیای اقیانوس آرام و چین، آمریکا و آمریکای لاتین، اروپا و اسکانندیناوی، استرالیا و کانادا) با هم دیگر در ارتباط هستند.

ویژگی‌های کلیدی استراتژی جهانی سازی فشرده به شرح زیر است:

- پنجاه شرکت وجود دارد که این استراتژی را دنبال می‌کنند که بیشترین تعداد آنها در هر استراتژی است و آنها عمدتاً شرکت‌های حقوقی، بانک‌ها و مشاوران مدیریتی ایالات متحده هستند.

- جغرافیای تصمیم‌گیری این شرکت‌ها تحت سلطه نیویورک است، شیکاگو نیز بسیار مهم است و لندن در جایگاه سوم قرار دارد.

- جغرافیای خدمات تا حد زیادی به منطقه اصلی محدود شده است و در اینجا هشت شهر وجود دارد که پیشرو هستند.

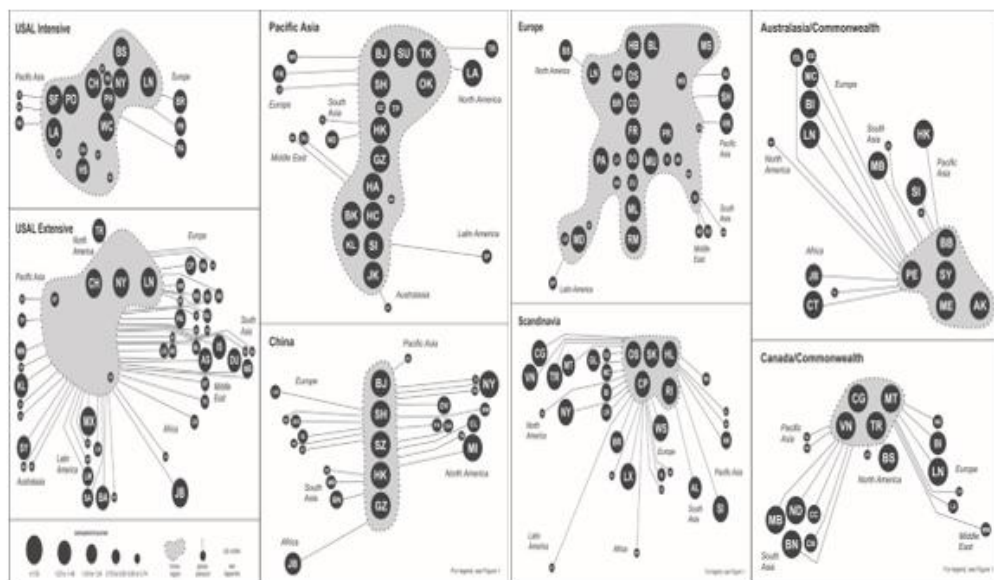


علاوه مادرید، میلان و رم از جنوب و مسکو از شرق مسلط هستند و سه شرکت بانکی در منطقه حاشیه شمال اروپا (اسکاندیناوی) وجود دارند که خدمت رسانی می‌کنند پنج شهر محلی - منطقه ای کپنهاگ، اسلو، استکهلم، هلسینکی و ریگا مسلط هستند و در استرالیا و کانادا به ترتیب ۸ شرکت که عمدتاً شرکت‌های خدمات مالی هستند و دو شهر اصلی آن سیدنی و ملبورن هستند و شهر فرماندهی جالب دیگر ژوهانسبورگ است که عمدتاً شرکت‌های خدمات مالی هستند. در کانادا، تورنتو به‌عنوان شهر فرماندهی تسلط دارد و شهر فرماندهی جالب دیگر بمبئی است.

در منطقه آسیا شرکت‌های ژاپنی هستند که دو منطقه سرزمینی را به‌عنوان «آسیای اقیانوس آرام» متحد می‌کنند، در حالی که شرکت‌های چینی به‌طور تصادفی منطقه خود را به استثنای توکیو تشکیل می‌دهند. ۱۹ شرکت عمدتاً بانک‌ها و آژانس‌های تبلیغاتی ژاپنی این کار را انجام می‌دهند. این امر با تسلط گسترده توکیو در میان شهرهای فرماندهی، بالاتر از سایر شهرهای محلی - پکن، سنول و سنگاپور قرار دارد.

در منطقه اروپا ۲۰ شرکت که تحت سلطه شرکت‌های حقوقی لندن و به‌طور گسترده‌تر شامل خدمات مالی اروپایی و مشاوره‌های اروپایی است. فرانکفورت، پاریس، به

شکل ۱۰: منطقه‌گرایی نوین پیتر تیلور



Gawc: 'New

### **Regional Geographies of the World as Practised by Leading Advanced Producer Service Firms in 2010**

هانسایی اتحادی تجاری - نظامی بود که در شرایط خلع قدرت نظامی و ضعف فئودال‌ها در اروپای شمالی به وجود آمد و در عین اینکه از آزادی عمل برخوردار بودند خود را به امپراطوری بیزانس متعهد می‌دانستند و از این طریق از مشروعیت برخوردار می‌شدند. آنها شروع به تجارت در بین شهرها کردند و یک سیستم شبکه‌ای با مرکزیت شهرهای لوبک و هامبورگ به وجود آوردند. لوبک و هامبورگ به‌عنوان یک شکل خود سازماندهی شده از

### **نتیجه گیری**

با وجود آمدن شکل نوین منطقه‌گرایی همواره این موضوع پیش می‌آید که اشکال جدید جهانی شدن و منطقه‌گرایی نوین از چه الگویی پیروی می‌کنند. از آنجایی که ریشه‌های جهان شبکه‌ای به قبل از قرن سیزدهم میلادی می‌رسد و تنها این شکل نوین شبکه‌ای توسط تکنولوژی ارتباطات توسعه یافته است لذا یکی از الگوهای آن را می‌توان در اتحادیه هانسایی دید.

اتحادیه‌های شهرهای خلیج فارس، اتحادیه‌هایی را برای همگرایی بیشتر منطقه‌ای شکل دهند. امروزه بعضی از این اتحادیه‌های منطقه‌ای به وجود آمده‌اند، اما اتحادیه‌هایی همچون اتحادیه شهرهای قفقاز یا خلیج فارس نیاز به اراده مسئولین و مدیران شهری این کشورها دارد.

**تشکر و قدردانی:** موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

**تأییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع:** موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

**سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها:** موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

#### References:

1. Schulte M(2013). Networks of the Hanseatic League. Ego. European History Online
2. J. Harrison and A. Growe. From Places to Flows? Planning for the New Regional World in Germany, 2014.
3. J. Harrison. Configuring the New Regional World: On Being Caught Between Territory and Networks, 2011.
4. Graumann & Affeldt: The Hanseatic League and Education - A Neglected Chapter in European and German History International Dialogues on Education, 2020, Vol. 7, No.1, 10-30. ISSN 2198-5944  
[https://www.worldhistory.org/Hanseatic\\_League](https://www.worldhistory.org/Hanseatic_League)
5. <https://www.britannica.com/contributor/Arthur-Boyd-Hibbert/9763238>
6. David Abulafia, Lubeck and the Hanseatic League: The Birthplace of the Common Market, 2016.
7. Olga Graumann & Sören Affeldt(2020), The Hanseatic League and Education - A Neglected Chapter in European and German History, International Dialogues on Education, 2020, Volume 7, Number 1, pp. 10-30 ISSN 2198-5944
8. Selzer, S. Die Mittelalterliche Hanse. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft Darmstadt, 2010.

همکاری بود که به‌عنوان یک هاب یا گره در این شبکه شهری عمل می‌کردند و از طریق کنتورها در سایر شهرها به هم مرتبط می‌شدند اما با قدرت گرفتن انگلستان و هلند شکست خوردند.

شهرهای این اتحادیه با ایجاد روابط متقابل با همدیگر به اعمال نفوذ در شهرهای اطراف دریای بالتیک پرداختند و یک منطقه متحد از نظر نظامی و تجاری را به وجود آوردند که با سایر مناطق و شهرها در ارتباط بودند. در واقع آنها زیربنای منطقه‌ای را به وجود آوردند که امروزه آن را به‌عنوان اتحادیه اروپا می‌شناسیم. در یک مقیاس بزرگتر اروپا با سایر مناطق از جمله قاهره و شمال آفریقا، بغداد- تبریز- هرمز و خاورمیانه، سمرقند- بخارا و آسیای میانه، گجرات- مالاکا و جنوب آسیا، زیتون- شانگهای و آسیای شرقی در ارتباط بودند.

از این‌رو در این اتحادیه کالاهایی که در سراسر جهان شناخته شده آن روز تولید می‌شدند به مصرف می‌رسید لذا این اتحادیه در عین منطقه‌ای بودن قابلیت جهانی نیز داشت و کالاهای تولیدی توسط اعضای آن به سایر نقاط اروپا و جهان شناخته شده مبادله می‌شدند.

از آنجا که در عصر جدید با پیشرفت شبکه‌های ارتباطی و سهولت حمل و نقل و انعطاف پذیر شدن تولید نوعی از تقسیم کار بین شهرها به وجود آمده که این شهرها نقش مدیریتی در آن را به عهده دارند و در سطح جهانی و منطقه‌ای حوزه نفوذ دارند. این شهرها از طریق شعبه‌های اصلی و فرعی شرکت‌های فراملیتی در شهرهای مختلف با هم شبکه‌های اقتصادی را به وجود آورده‌اند و خود در سطح هاب و گره عمل می‌کنند. از آنجایی که در عصر حاضر قدرت شهرها رو به افزایش است و سطح روابط بین آنها گسترش یافته، اتحادیه هانسابی الگویی مناسبی برای اتحاد آنها در سطح منطقه‌ای که اصطلاحاً به آن منطقه گرایی نوین می‌گویند، خواهد بود. این الگو می‌تواند با پیگیری دولتمردان و مدیران شهری، در مناطق مختلف جهان مانند اتحادیه‌های شهرهای اروپا، اتحادیه شهرهای آسیای مرکزی، اتحادیه شهرهای قفقاز،

21. Taylor P, B. Derudder, M. Hoyler and P. Ni. *New Regional Geographies of the World as Practised by Leading Advanced Producer Service Firms in 2010*.
22. *Understanding the World Economy in Terms of Networks: A Survey of Data-Based Network Science Approaches on Economic Networks*.
23. X. Liu, B. Derudder, G. Csomós and P.J. Taylor. *Mapping Shifting Hierarchical and Regional Tendencies in an Urban Network through Alluvial Diagrams*, 2013.
24. <https://www.historytoday.com/archive/first-common-market-hanseatic-league>
25. [https://www.worldhistory.org/Hanseatic\\_League](https://www.worldhistory.org/Hanseatic_League)
26. P.J. Taylor, B. Derudder, M. Hoyler and P. Ni (2013), *New Regional Geographies of the World as Practised by Leading Advanced Producer Service Firms in 2010*, Transactions of the Institute of British Geographers
26. [https://www.reddit.com/r/MapPorn/comments/mika8k/evolution\\_of\\_trade\\_routes\\_in\\_europe\\_and\\_mena\\_from/?rdt=61672](https://www.reddit.com/r/MapPorn/comments/mika8k/evolution_of_trade_routes_in_europe_and_mena_from/?rdt=61672)
27. <https://www.cambridge.org/core/books/abs/greattransition/efflorescence/ABC924B3E3158E06A548F0BBF839957F>
9. Schulte M. *Networks of the Hanseatic League*. Ego.
10. Taylor P. *World City Network*, 1997.
11. Abu-Lughod, Janet. *Before European Hegemony: The World System A.D. 1250-1350*, 1987.
12. Abu-Lughod, Janet. *The Shape of the World System in the Thirteenth Century. Plus Comments*, *Studies in Comparative International Development* 22 (Winter): 3-53, 1987-88.
13. Taylor P. *City in Globalization*. 2007.
14. Morteza G. *Globalization and the Role of Cities in Transnational Space*, 2012.
15. Morteza G. *New Maps of the World for the New Millennium*, 2007.
16. Taylor P. *York New Outledge R, Analysis Urban Global A ,Network City World*, 2004.
17. Castells M. *The Rise of the Network Society*. Blackwell: Oxford, 1996.
18. Pain K, *Spatial Transformations of Cities: Global City-Region? Mega-City Region?* 2012.
19. Burger, B. van der Knaap and R.S. Wall, *Revealed Competition for Greenfield Investments between European Regions*. 2013.
20. Perulli P. *Urban Italy as a Postmetropolitan Territory of Flows*. 2019.